

## The Textual Criticism and Structural Analysis of Asfazari's Dah Majles

Seyed Amir Jahadi \*

Assistant Professor of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran, jahady2000@gmail.com

### Abstract

The subject of the present paper is to investigate the Dah Majles written by Asfazari. This work belongs the ninth century AH, and is part of the Persian and educational prose. The book is spelled out orally in ten sections by the mystical followers and is written by disciples and enthusiasts. In this article, the author has tried to introduce this valuable work of Timurid period by using a descriptive-analytical method of the content to examine the structure and textology of this work from speech viewpoint and to reveal its stylistic features. The most important finding of the research is the outstanding mystical aspect of the work. In addition, the speaker in many cases has brought Quranic verses and many hadiths and tried to explain these issues. Bringing religious and mystical stories, beautiful poetry and austere speech have also attracted the attention of the book's prose. Simplicity and observance of the present requirement have always been of great importance to Asfazari. All these have made this book one of the important works of mystical prose.

**Keywords:** Speech/Preach Writing, Content Review, Structural Analysis, Dah Majles, Asfazari

---

\* Corresponding author

فصل‌نامه متن‌شناسی ادب فارسی (علمی- پژوهشی)  
معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه اصفهان  
سال پنجاه و چهارم، دوره جدید، سال دهم  
شماره دوم (پیاپی ۳۸)، تابستان ۱۳۹۷، صص ۱۳۷-۱۱۹

## متن‌شناسی و بررسی ساختاری ده مجلس اسفزاری

سید امیر جهادی\*

### چکیده

موضوع این نوشتار بررسی ده مجلس اسفزاری است. این اثر از نثرهای خطابی و تعلیمی فارسی از قرن نهم هجری است. کتاب در ده بخش و به شیوه مجلس‌گویان و به صورت شفاهی بیان شده است. مریدان و علاقه‌مندان، آن را برپایه سخنان اسفزاری نوشته‌اند یا به اصطلاح املا کرده‌اند. نویسنده در این مقاله می‌کوشد تا این نسخه خطی ارزشمند دوره تیموری را با روش توصیف و تحلیل محتوا معرفی و از زاویه مجلس‌گویی، متن و ساختار این اثر را بررسی کند؛ همچنین ویژگی‌های ممتاز سبکی آن را شرح دهد. از مهم‌ترین یافته‌های پژوهش، جنبه آشکار عرفانی اثر است. افزون‌بر این، سخنور در بیشتر قسمت‌ها آیات و احادیث بسیاری را گواه می‌گیرد و می‌کوشد این موضوعات را شرح و تفسیر کند. بیان حکایات مذهبی و عرفانی و اشعار زیبا و سخنان عارفان نیز سبب گیرایی نثر کتاب شده است. سادگی و رعایت اقتضای حال و مقام نیز همه‌جا منظور اسفزاری بوده است. این نکته‌ها سبب شده است تا ده مجلس در شمار آثار ممتاز منشور عصر تیموری در بخش نثرهای خطابی جای گیرد.

### واژه‌های کلیدی

مجلس‌نویسی؛ بررسی محتوایی؛ بررسی ساختاری؛ ده مجلس، اسفزاری

### ۱- مقدمه

نثر فارسی درخت تناوری است که از آغاز ادب فارسی در حوزه‌های متنوع موضوعی و قالب‌های گوناگون رشد کرد و بالید. خطیبی نثر فارسی را به چهار نوع محاوره و خطابه و مرسل و فنی تقسیم می‌کند (۱۳۹۰: ۶۱ - ۵۱). یکی از انواع نثر فارسی، نثر خطابی است. این نوع نثر در ادب فارسی و عربی، پیشینه‌ای قوی دارد. مهم‌ترین ویژگی این نوع نثر، سادگی و رعایت اقتضای حال است. از انواع نثر خطابی، باید از آثاری به نام مجالس یاد کرد. در زبان و ادب فارسی آثاری مانند طبقات‌الصوفیه خواجه عبدالله انصاری، اسرارالتوحید محمد بن منور، معارف بهاء‌ولد، فیه‌مافیة و مجالس

\* استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران (نویسنده مسؤول) jahady2000@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۸/۰۶

تاریخ وصول: ۱۳۹۵/۱۱/۱۹

سبعه مولانا و مجالس پنج‌گانه سعدی در شمار مجالس جای می‌گیرند. «در نثر خطابه برای نخستین بار، ضوابطی خاص کلام را محدود و مقید می‌کند و همین مشخصات است که نثر را در حد فاصل بین نثر محاوره و مکتوب مرسل جای می‌دهد» (همان: ۵۴). از ویژگی‌های مهم نثر خطابه لفظی بودن آن است و البته با وجود آنکه «... مکتوب نیست؛ لیکن تا حدود زیادی به نثر مکتوب نزدیک است» (همان). نثر خطابی در ادبیات فارسی را «می‌توان به انواع مقامه، مجلس‌گویی، روضه‌خوانی، دفترخوانی، قصه‌گویی و نقالی تقسیم کرد...» (رستگار، ۱۳۹۲: ۲۵۰).

مجلس‌نویسی یکی از گونه‌های نثر خطابی است که در نثر کهن سابقه دارد. واژه «مجلس به معنی محل نشستن و مجالس، جمع آن است و عبارت است از جای موعظه‌گفتن و مجلس درس و وعظ» (همان). مجلس در اصطلاح «آن مقدار وعظی است که در یک نشست (مجلس) ایراد می‌شود و به همین سبب، هر فصل یا باب آن را «مجلس» می‌نامیدند. در این گونه مجالس به سبب اینکه مخاطبان رودرروی مجلس‌گوی می‌نشستند، وی به گونه‌ای سخن می‌گفت که با آنان ارتباط کلامی و عاطفی بیابد و بتواند آنان را تحت تأثیر گفتار خویش قرار دهد» (وفایی و دیگران، ۱۳۹۳: ۴۳). مجالس همواره مطالب و توصیه‌های اخلاقی را با توجه به دو رویکرد نسبت به مخاطبانش بیان و شرح می‌کند. بخشی از مجالس با مخاطبانی از همه جامعه سروکار دارند و گونه‌ای دیگر مانند مجالس عرفانی، با مخاطب صوفی منش و خانقاهی روبرو هستند.

نثر خطابی در ادب فارسی به‌ویژه در پیش از اسلام نیز نمونه‌هایی دارد. «این خطابه‌ها که به دوره‌های بعد راه یافته، نمونه‌ای از گونه ادبی مجلس‌گویی است که در شاهنامه فردوسی نیز نمونه‌هایی دارد؛ مانند خطبه جمشید، هوشنگ، طهمورث، اردشیر بابکان و انوشیروان» (جوکار و غلامی، ۱۳۹۰: ۸۱ - ۸۰). در بسیاری از منابع پیشین نوشته شده است که «مجلس‌گویی با یحیی بن معاذ رازی (از صوفیان طبقه اول و متوفای سال ۲۵۸ هجری) آغاز شد» (زمانی، ۱۳۸۸: ۷۰). به گفته بهار «جنید نخستین عالمی است که در علم توحید مجلس گفت و حلقه درس راه انداخت...» (۱۳۸۶، ج ۲: ۱۸۵). از پیشگامان، «خواجه عبدالله انصاری نیز طبقات الصوفیه سلمی نیشابوری را... در مجالس خود املا می‌کرد...» (رستگار، ۱۳۹۲: ۲۵۱). روزبهان بقلی شیرازی هم در مجالس خویش «مدت پنجاه سال در جامع عتیق شیراز و جز آن برای مردم وعظ کرد...» (روزبهان بقلی شیرازی، ۱۳۶۶: ۱۳ - ۱۲).

در جامعه ایرانی پس از اسلام، خطیبان و عارفان به سبب پیشینه این گونه ویژه و هم وجود و تأثیر خطابه‌گویی در ادب عرب، به این نوع توجه نشان دادند. «برپایی مجالس وعظ و به تعبیر قدمایی آن مجلس‌گفتن، در ایران پس از اسلام از رسم‌های کهن است و یکی از راه‌های مهم تعلیم و تبلیغ اعتقادات دینی و عرفانی به‌ویژه برای مردمان عوام و متوسط...» (غلامرضایی، ۱۳۸۷: ۲۵۸) است. این گونه اجتماعات مذهبی و عرفانی، در زمینه اجتماعی نیز کارکردهای مفیدی داشت و در «تحولات فکری و فرهنگی و یا انقلاب‌های ملی و مردمی مانند قیام ابومسلم، فاطمیان، سربداران، رسمی شدن مذهب تشیع در عصر صفوی...» (امین، ۱۳۸۰: ۳۰ - ۳۸) نقش مهمی داشت. مجالس، جنبه‌ای عمومی و همگانی نیز داشته است؛ به این معنی که افزون‌بر شاگردان و طالبان علم و مریدان، بیشتر گروه‌های جامعه در این جلسه‌ها شرکت می‌کردند. به همین سبب مجالس زهد و اندرز و عرفانی، محل مناسبی برای تبلیغ باور و اهداف جمعی بود؛ به‌ویژه برای مردمی که «...گروه‌گروه درین مجالس حضور می‌یافتند و دانش می‌آموختند و معرفت می‌آندوختند» (قشیری، ۱۳۷۴: ۱۷).

مجالس از جمله عناصر تقویت و عمومی شدن مکتب تصوف و عرفان است. بیشتر مجالس زهد و عرفانی «...»

برحسب اشاره شیخ و مراد و یا به خواهش و استدعای مردم و مریدان تشکیل می‌شد... مجالس وعظ و معرفت‌گویی صوفیان، مکانی بود که در آن شیخ و مریدان، صوفیان و غیر صوفیان یکدیگر را بیشتر از زمان‌های دیگر می‌دیدند و پیوند مستحکم‌تری با یکدیگر می‌یافتند» (گنج کریمی و کهدویی، ۱۳۸۶: ۸۲). سادگی بیان و بی‌پیرایگی این مجالس، در سنجش با مجالس شاهانه و فقط علمی، سبب روی آوردن گروه‌های گوناگون جامعه به این جلسه‌ها شد. عارفان و خطیبان از دیرباز به مجالس مانند یک فرصت می‌نگریستند و همواره از این امکان نهفته هم برای تبلیغ باور و هم تعلیم همه مردم بهره می‌بردند. «درواقع بسیاری از تعالیم مشایخ صوفیه از طریق همین مجالس‌گویی‌ها به مریدان منتقل می‌شده است. پاره‌ای از مریدان معمولاً سعی می‌کردند که از این مجالس یادداشت بردارند و بعضی از این یادداشت‌ها را نیز در لابه‌لای آثاری که مریدان درباره مشایخ خود نوشته‌اند می‌توان ملاحظه کرد» (پورجوادی، ۱۳۸۰: ۴). در ادب کهن فارسی مجلس‌گویان برجسته‌ای ظهور کرده‌اند. «... شیخ ابواسحاق کازرونی، ابوسعید ابوالخیر، خواجه عبدالله انصاری، ابوالقاسم قشیری، عبدالکریم شهرستانی، احمد غزالی، قطب‌الدین ابومنصور عبادی، بهاء‌ولد، شیخ روزبهان، مولوی، سعدی، همه از مجلس‌گویان زبردست بوده‌اند و به‌ویژه بعضی از آنان مانند خواجه عبدالله و احمد غزالی و قشیری و عبادی در وعظ‌گفتن شهرت و اعتبار خاص داشته‌اند» (غلامرضایی، ۱۳۸۷: ۲۵۹ - ۲۵۸).

همه مجالس فارسی از سخنان خطیبان یا سخنوران است که مریدان، آنها را صورت نوشتاری درآورده‌اند. از کهن‌ترین این آثار باید از نوشته‌های استاد بوعلی دقاق نام برد. «استاد ابوالقاسم قشیری داماد وی بود و شاگرد وی و مجالس وی جمع کرده بود و سخنان وی بسیار داشت؛ و دقاق را شوری بود و گرم بود» (انصاری، ۱۳۶۲: ۱۲۹). خواجه عبدالله انصاری نیز کتاب *طبقات الصوفیه* ابوعبدالرحمن سلمی را «در مجالس صحبت و مجامع تذکیر و موعظت به زبان هروی قدیم که در آن عهد معهود بوده است، املاء می‌فرموده...» (کاشانی، ۱۳۶۷: ۲۶). املا نویسی و نوشتن سخنان خطیب، «رسم مجالس صوفیه بود و بسیاری از آنچه از صوفیه در دست داریم مانند معارف بهاء‌ولد، و فیه‌ما‌فیه مولوی و... امثال آنها از همین راه فراهم آمده است. خواجه می‌گفت و آن شاگرد و دیگر شاگردان می‌نوشتند...» (صفا، ۱۳۷۸، ج ۲: ۹۱۳ - ۹۱۲) با اطمینان می‌توان گفت که مریدان و علاقه‌مندان، سخنان اسفزاری را در ده مجلس املا کرده‌اند و شاهد آن در نسخه‌های خطی اثر آشکار است.

### ۱- بیان مسئله

ده مجلس اسفزاری از آثار مهم دوره تیموری است. این اثر از متون کهن ادب فارسی است و سرشار از فواید ادبی و عرفانی و زبانی است. شناساندن و بررسی این اثر به چند سبب ارزشمند است؛ نخست آنکه این کتاب حاصل استعداد و سرشت یکی از استادان برجسته نثر دوره تیموری، یعنی معین‌الدین اسفزاری است؛ کسی که هم در زمینه تاریخ و هم در ترسل و انشا و شعر و شاعری از نامداران روزگار خود بوده است؛ دیگر آنکه ده مجلس در کنار *روضه الشهداء* کاشفی از اندک آثار مجلس‌گویی در عصر تیموری است. معرفی و بررسی و تحلیل متن‌شناسانه ده مجلس افزون‌بر اینکه یکی از آثار پیشین را از پرده گمنامی بیرون می‌آورد، معیارهای نوع ادبی مجلس‌نویسی اثر را نیز بازگو می‌کند.

### ۱-۲ پیشینه تحقیق

درباره نوع ادبی مجلس‌نویسی و سیر دگرگونی و پیشینه آن در ادب فارسی مقاله‌هایی نوشته شده است که مهم‌ترین آنها عبارت است از: «بررسی و تحلیل «هفت بزم انوشیروان» در شاهنامه به عنوان نمودی از «مجلس‌گویی» در ایران پیش از اسلام»؛ جوکار و غلامی در این مقاله با بررسی بخشی از *شاهنامه* فردوسی کوشیده‌اند ریشه مجلس‌گویی را در

مجالس سلطنتی ایران در عصر ساسانی جستجو کنند. در این مقاله همچنین به شباهت بسیار این مجالس کهن با مجالس اسلامی اشاره می‌شود و نویسندگان بر آن‌اند که مسایل حکمت‌آمیز و پرسش و پاسخ، در این نوع کهن ادبی بسیار پرکاربرد است (۱۳۹۰: ۷۹). پورجوادی (۱۳۸۰) در مقاله «لطائف قرآنی در مجالس سیف‌الدین باخرزی» به معرفی باخرزی می‌پردازد و پس از بیان کوتاه پیشینه مجلس گویی فارسی، اجزای پرکاربرد و محوری مجالس باخرزی را برمی‌شمرد و تحلیل می‌کند. از نکات مهم این مقاله باید از مقایسه و تطبیق مجالس برجسته فارسی یاد کرد. گنج کریمی و کهدویی (۱۳۹۲) در مقاله «شیوه های سخنوری در مجالس صوفیه» عناصر محوری و پرکاربرد مجالس فارسی را باتکیه بر مهم‌ترین مجالس فارسی مانند *مجالس ابوسعید*، *اسرارالتوحید*، *مجالس سبعه* و... بررسی می‌کند و نکاتی مانند آیات، احادیث، اشعار، سخنان بزرگان و... را برمی‌شمرد. غلامرضایی (۱۳۸۷) در مقاله «مجلس گویی و شیوه‌های آن براساس مجالس سبعه مولوی» به شیوه مجلس گویی در *مجالس سبعه* مولانا پرداخته است. خطابی بودن نثر، کاربرد شیوه گفتگو، ترجمه آیات و احادیث، آوردن دعا و مناجات در بخش‌هایی از سخن، استناد به داستان و حکایت و... از ویژگی‌های برشمرده برای *مجالس مولاناست* (۱۳۸۷: ۵۷). زهت در مقاله «اسلوب بیان و شیوه مجلس گویی مولانا در آثار منشورش با تأکید بر کتاب *فیه مافیة*»، شیوه بیان مولانا و جنبه‌های زیبایی‌شناسانه اثر را تحلیل می‌کند و به این نتیجه دست می‌یابد که مولانا در زیبایی‌شناسی و سایر علوم، از باورهای توحیدی و دینی الهام می‌گیرد تا ناهماهنگی‌ها و تضادهای صوری را در یک واحد، به طور منظم و هماهنگ جمع کند (۱۳۹۲: ۵۵). وفایی و اسپرهم نیز در مقاله «سیر تطور مجلس گویی صوفیانه به عنوان نوعی ادب تعلیمی؛ از آغاز تا پایان دوره صفوی» مجلس گویی را یکی از انواع نثر تعلیمی فارسی معرفی کرده‌اند و ریشه آن را در تعالیم قرآنی و *نهج‌البلاغه* یافته‌اند. در ادامه با اشاره به کارکرد اخلاقی و اصلاحی مجالس، سیر دگرگونی تاریخی این نوع بررسی شده است (۱۳۹۳: ۳۹ - ۴۰).

درباره پیشینه این جستار باید گفت که این نسخه باقی‌مانده از قرن نهم هجری تاکنون گمنام بوده است و حتی در فهرست نسخه‌های خطی *دنا* و *فنحا* نیز نمایه نشده است. درباره بررسی و تحلیل این نسخه، پژوهشی از نوع پایان‌نامه و مقاله نیز وجود ندارد. گفتنی است که ده مجلس تاکنون تصحیح و چاپ نشده است.

## ۲- بحث

### ۱-۲ اسفزاری و آثارش<sup>۱</sup>

معین‌الدین اسفزاری، دبیر و مورخ برجسته عصر تیموری است. او در شعر و شاعری نیز دستی داشت و به «نامی» تخلص می‌کرد. از وی پنج اثر باقی مانده است: (۱) *دیوان اشعار*: به رغم جستجوی فراوان، *دیوان اشعار* وی یا به دوره معاصر نرسیده است و یا اگر رسیده باشد، هنوز در فهرس نسخ خطی ثبت نشده است... اشعاری که از اسفزاری باقی مانده یا در میان آثار خود او چون *ترسل*، *گلشن اقبال*، *ده مجلس* و *روضات الجنات* آمده است و یا در آثار معاصران اسفزاری چون *حبیب‌السیر*، *خلاصه الاخبار* و تذکرها که آنها هم عموماً به ذکر یک بیت شعر از مؤلف بسنده کرده‌اند. (۲) *ترسل*:<sup>۲</sup> *ترسل* اثر اسفزاری در زمینه کتابت و انشاست و خود مؤلف هم آن را به این عنوان نامیده است. از این اثر با عناوینی چون «*رساله قوانین*»، «*منشآت*» و «*انشای معین*» هم یاد شده است... این اثر را به‌طور کلی می‌توان به عنوان نمونه و الگویی عملی برای کاتبان و منشیان معرفی نمود. اثر مزبور حتی در میان توده مردم از شهرت خاصی برخوردار بوده... است. (۳) *گلشن اقبال*: رساله‌ای است کوتاه و داستانی که اسفزاری در سال ۸۹۵ ق نوشته است. نثر این کتاب

مصنوع و مزین است. ۴) ده مجلس: اثری است به نثر از معین‌الدین اسفزاری. ۵) *روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات*: مهم‌ترین و بزرگ‌ترین اثر اسفزاری است و به‌واقع آنچه که باعث شهرت اسفزاری شده، همین اثر مذکور است و او را مورخی بزرگ و قابل اعتماد می‌نمایاند» (جهادی، ۱۳۹۳: ۷۹ - ۷۸).

سبک نگارش نثر اسفزاری در مهم‌ترین آثار او فنی نزدیک به مصنوع است. البته کلام وی در ده مجلس به سبب رعایت اقتضای حال مخاطبان و شیوهٔ عموم مجلس‌گویی‌ها، با وجود سودجستن از صور بدیعی و بیانی، روی در سادگی دارد. «از مجموع پنج اثر اسفزاری چهار اثر وی مثنوی است و با بررسی و ملاحظهٔ آنها، می‌توان گفت که سبک او فنی و مصنوع است...» (مدبری، ۱۳۹۱: ۵).

## ۲-۲ متن‌شناسی ده مجلس اسفزاری

### ۱-۲-۲ نسخه‌های اثر

ده مجلس اسفزاری در فهرست *دنا* نمایه نشده است. با بررسی منابع مجازی<sup>۳</sup> معلوم شد که از این اثر قرن نهم هجری تنها سه نسخه باقی مانده است. از این سه نسخه، دو نسخه در کتابخانه ملی ایران نگهداری می‌شود که در سدهٔ دوازدهم هجری به نگارش درآمده است؛ نسخهٔ دیگر نیز در کتابخانه پاریس است. قدیمی‌ترین نسخهٔ اثر در سال ۱۲۱۸ هجری و دیگری در سال ۱۲۸۸ قمری به نگارش درآمده است.

نسخهٔ قدیمی به شمارهٔ ۷۳ در کتابخانه ملی ایران نگهداری می‌شود. این نسخه در ۱۳۰ برگ ۱۲ سطری و به خط نسخ در محرم‌الحرام سال ۱۲۱۸ هجری نگارش شده است. عنوان «ده مجلس از ملاء معین» بر پیشانی مقدمه با رنگ سرخ نوشته شده است. کاتب این نسخه فردی به نام احمد است. ترقیمهٔ نسخه ۱۲۱۸، به زبان عربی است. در ترقیمه به نام مصنف اشاره شده است: «و قد وقع من تمیم هذه الكتاب الذی اشتمل علی النصایح و الدلائل المتین من مصنفات مولی العالم و العامل، اورع المتقین اعنی مولینا المعین برد الله مضجعه الی یوم الدین...» (اسفزاری، بی‌تا: ۲۵۴). کاتب با اشاره به ارزش تعلیمی این اثر یادآور می‌شود کتاب برای آموزش کودکان و نوجوانان مفید است. با این قرینه آشکار می‌شود که این اثر، متنی برای آموزش و تعلیم است: «کتبه لتعلم الصبیان خصوصاً لعبد الرحیم طول الله عمره و رزقه الله...» (همان: ۲۵۴). با توجه به شواهد، نسخهٔ فعلی را باید از نسخی دانست که از روی یک نسخهٔ املائی نوشته شده است. همهٔ آثار مجالس مثنوی فارسی به‌نوعی در شمار آثار املاشده به شمار می‌آیند؛ زیرا خطیب، سخن می‌گوید و گروهی از حاضران یادداشت‌برداری می‌کنند؛ نگارندگان از نظر سطح سواد، در یک سطح نیستند؛ بنابراین اشتباهات بسیار املائی در نسخه راه می‌یابد. در این مقاله، این نسخه پایهٔ بررسی و بیان شواهد قرار گرفته است.

نسخهٔ دیگر این اثر به شمارهٔ ۳۲۱۲۸ است که در کتابخانه ملی نگهداری می‌شود. این نسخه به تاریخ پنجم ربیع‌الأول سال ۱۲۸۸ هجری نوشته شده است. در صفحهٔ آغازین متن و به قلم قرمز، عبارت «هذا کتاب ده مجلس» نقش بسته است. این نسخه به خط نسخ و در ۱۶۰ برگ تحریر شده است. کاتب این نسخه یاسین بن صالح السنجانی است.

نسخهٔ دیگر، نسخه‌ای بی‌نام مؤلف است که مرحوم دانش‌پژوه در یکی از نوشتارهایش در ضمن نسخ خطی فارسی در کتابخانه پاریس، از آن یاد می‌کند: «مجالس عرفانی، در ده مجلس (نه تا که بلوشه نوشته است) در آغاز هر یکی آیتی است و با ستایش خداوند آغاز می‌شود و داستان هم دارد و شعر فارسی. از سخنان بایزید بسطامی و خواجه عبدالله انصاری هروی در آن آمده است... SP 1999، به نسخ محمد قاسم پسر حاجی خواجه احمد در ۱ ع ۱۰۳۴/۱،

در پایان بندی است عرفانی به فارسی (بلوشه ۱۸۱: ۴ ش ۲۲۲۱) «(دانش پژوه، ۱۳۶۴: ۲۶۳ - ۲۶۲).

### ۲-۲-۲ بخش بندی کتاب

ساختار کلی اثر در ده بخش نامیده شده به مجلس پی افکنده شده است. برخی از این بخش‌ها مانند مجلس اول، موضوع ویژه‌ای ندارند و فقط هم‌زمان به مباحث اخلاقی، روایی، تعلیمی، صوفیانه توجه داشته‌اند. تعداد دیگری از مجلس‌ها از موضوعات ویژه‌ای مانند قصه‌های انبیاء سخن گفته‌اند. مجلس دوم تا مجلس دهم، هر یک درباره موضوعی خاص است. این مجالس، حکایات انبیای بزرگ الهی را دنبال می‌کنند که برای عوام و همه مردم گیرایی بسیاری دارد. عنوان‌های مجالس ده‌گانه در ادامه بیان می‌شود؛ مجلس اول که بدون عنوان است و جنبه عمومی و کلی‌نگرانه دارد. مجلس دوم در بیان قصه حضرت یوسف؛ مجلس سوم در بیان قصه ایوب؛ مجلس چهارم در بیان زنده شدن مرغان به دعای حضرت ابراهیم؛ مجلس پنجم در بیان ذکر حضرت زکریا و حضرت یحیی؛ مجلس ششم در بیان قصه حضرت یونس که البته در میانه این مجلس، داستان معراج پیامبر اسلام<sup>(ص)</sup> نیز بیان شده است؛ مجلس هفتم در بیان لطف و کرم باری تعالی؛ مجلس هشتم در بیان فضیلت سوره قل هو الله احد؛ مجلس نهم در بیان معراج رفتن حضرت موسی؛ در میانه این مجلس دوباره گریزی به معراج نبی اسلام<sup>(ص)</sup> زده شده است و مجلس دهم در بیان حضرت ابراهیم و ذبح نمودن مر اسمعیل را.

### ۳-۲-۲ ساختار مجالس

#### ۱-۳-۲-۲ نخستین رکن

نخستین رکن در میان اجزای ساختاری مجالس، رکن ستایش خداوند است. در این اثر برخی از تحمیدیه‌ها، از متون عرفانی پیشین مانند *مناجات‌نامه خواجه عبدالله انصاری*، سخنان بایزید بسطامی و *مصباح‌الهدایه* بیان شده است؛ این ستایش‌ها بیشتر آهنگین و موزون‌اند و باتکیه بر آیات و روایات و استشهاد اشعار فارسی، باری تعالی را می‌ستایند: «... سپاس و حمد بی حد و ثنای بی عد بر خالق احد و رازق صمد که برگزید بشر را بر کل مخلوقات، و تقدیرنا بنی آدم و نام آن قادر علیم حکیم می برم که برکشید بندگان را بعضی بر بعضی که و رفعا بعضهم فوق بعض درجات، نام آن معبود لم یزل و لایزال می برم که نمی آفرید آدم و پری را مگر از برای بندگی که و ماخلقت الجن و الانس الایعبدون...» (اسفزاری، بی تا: ۱). تحمیدیه نخستین گویا ترجمه و تفسیر آیات قرآنی است: «... نام آن کریم بنده‌نواز می برم که از برای تسکین درد مجرمان مسموم به خطیئت، عاصیان مغموم به معصیت را به تریاک مرحمت و بشریت مغفرت بشارت داد که لاتقنطوا من رحمه الله ان الله یغفر الذنوب جمیعاً... ای درویش نام آن لطیف می برم که به لطف و فضل خود نیکوکار را برگزید و پرهیزگاران را برکشید... ای عارف عاشق...» (همان: ۲). برخی از مجالس با تحمیدیه عربی آغاز شده است؛ عباراتی که در واقع دعاهای نقل شده است (همان: ۱۵۰).

#### ۲-۳-۲-۲ دومین بخش

دومین بخش از ساختار مجالس اسفزاری، مدح نبی گرامی اسلام<sup>(ص)</sup> است. این بخش نیز به آیات و روایات و اشعار آراسته است. آرایه سجع سبب آهنگین بودن نثر شده است: «... بعد از ثنا و حمد خداوند عالم جل و علا، صلوات بی نهایت و تحیات بی غایت به روح مقدس و قالب مطهر که متوج به تاج و ماارسلناک الا رحمه للعالمین است و سید المرسلین و خاتم النبیین است، محمد مصطفی صلی الله علیه و سلم؛ آن شاه بارگاه نبوت و آن سرو بوستان رسالت و کدخدای اسباب دیده و آن مقتدای ارباب یقین مردم دیده و آن دُر دریای رحمت و آن مهتر افلاک حکمت...»

ای قبله ساکنان افلاک      وی شادی طالبان غمناک  
 مشهور کرامت تو والنجم      اقطاع تو عرش فرش افلاک...»  
 (همان: ۳)

ستایش نبی گرامی اسلام در میانه مجلس هم همواره با بیانی نوآیین و هنرمندانه، هربار تکرار می‌شود: «... ای عاشقان جمال محمدی امروز صفت خواجه شما می‌کنم، نیکو شنوید، بیت:

ای دل و جان عاشقان شیفته لقای تو      سرمه چشم عارفان خاک در سرای تو

... آن گوهر درج معانی و آن قمر برج معالی و آن صدر سرای سیادت و آن بدر سیمای سعادت و آن صدری که تبلیغ جبرئیل و تمکین میکائیل و تهویل اسرافیل و تعظیم عزرائیل علیهم‌السلام و آن بدری که رفعت زحل و دولت مشتری... از مرتبه اوست؛ ای عزیز! امروز رفعت آن حضرت بشنو تا فردا جمال باکمال او بینی و از شفاعت او نومید نباشی، ای گشته رواق عرش منزل جایث \*\*\* شد رایت اسلام بلند از رایت...» (همان: ۲۵ - ۲۴). اسفزاری در همه مجلس این اثر، از دیده بزرگداشت و آن هم از زاویه عرفانی، به حضرت رسول (ص) می‌نگرد.

#### ۲-۲-۳ سومین بخش

سومین بخش از ساختار مجلس، خطاب مستقیم خطیب به حاضران و همه شنودگان و مریدان حاضر در مجلس است؛ مبنی بر اینکه همگان با حضور قلب و سپردن دل و جان به سخنان وی گوش هوش فرادهند تا خطیب بتواند مرکب سخن را بر میدان افکار آماده ناظران و شنوندگان به جولان درآورد: «... ای عزیز چنانچه به تن حاضر آمده‌ای، به دل نیز حاضر شو تا آیت سید به توفیق خداوند با تو بیان کنم و تو را بدان آگاه گردانم و حدیث از صدر بدر عالم ... با تو بیان کنم...» (همان: ۴ - ۳). هرگاه گوینده قصد می‌کند که مطالب مهم و بنیادی خطابه خویش را بیان کند، خطاب‌های «ای عزیز» و یا «ای درویش» را به کار می‌برد و از مخاطبان حضور ذهن و قلب می‌طلبد تا به یاری خداوند، اسرار اخلاقی و عرفانی را بر ایشان آشکار گرداند: «ای عزیزان! دل حاضر دارید که بر سر آیت می‌آیم به توفیق خداوند جل و علا تا مستمعان در بوستان معانی قرآن تماشا کنند و قبالة قبول را بر ایشان خوانم تا در تسلیم بیع سعی نمایند؛ پس ای بنده مؤمن و ای عارف عاشق بشنو که خداوند عالم...» (همان: ۹).

#### ۲-۲-۴ رکن چهارم

رکن چهارم مجلس اسفزاری، رکن دعا و نیایش و مناجات است. این رکن از جمله ارکان تکرار شده در یک مجلس است. خطیب همیشه به نیایش پیش از رکن اصلی در مجلس توجه داشته است. در این رکن نیز با استناد به آیات و روایات و با لحنی ملتسمانه و عاجزانه و همراه با خضوع و خشوع، دعاهایی مبنی بر نیک‌فرجامی سخنور و شنوندگان، استجابت نذور، توفیق خلق حسن، مرگ به آیین اسلام و سزاواری دیدار حق بیان شده است: «... تا در این جهان دارمی الهی! چنان‌که به شب‌ها از جمله امن هو قانت اناء اللیل ساجداً و قائماً باشند، الهی! نذرهای مؤمنان را به حرمت آن کسان که در شأن ایشان آمده است... قبول گردان، الهی! نامت بقاست ما را چنان دار که موافق آن بنده برگزیده و دوست پسندیده تو که صفت و نعتش چنین فرموده‌ای... قدم زنیم...» (همان: ۴).

#### ۲-۲-۵ رکن اصلی مجلس

این رکن پس از دعا و با قرینه گفتاری خطیب آغاز می‌شود: «به توفیق ملک علام، حدیث چند روایت کنیم از صدر و بدر عالم...» (همان: ۴). پس از بیان عربی آیات و احادیث، ترجمه و تفسیر آن به فارسی آورده شده است. سپس



باتکیه بر آیه و حدیث و قراردادن شنوندگان در جایگاه مخاطب عام به بیان مباحث اخلاقی و عرفانی توجه می‌شود: «...کلمتان خفیفتان علی اللسان و ثقيلتان فی المیزان، دو کلمه است که گفتن آن بر زبان سبک است و سنجیدن وی در ترازوی قیامت گران آید و دو سمت است نزد حضرت رحمان خداوند عالم جل و علا؛ ای مؤمنان! شما را دو چیز داده است، یکی دم؛ دیگری قدم و راهروان، راه دین بدین دو چیز روند...» (همان: ۵). در رکن اصلی، طرح پرسش برای وادارکردن مخاطبان به اندیشیدن و تلاش ذهنی آنها نیز منظور خطیب بوده است «و آن روشی است که در وعظ و خطابه به کار می‌رود.» (غلامرضایی، ۱۳۸۷: ۲۷۱): «... از برای چیست که روزها بیاید رفت تا شخصی را فرسنگ چند رفته شود و به رفتن فرسنگ ضعیفی و کوفتی در آن پدید آید، این چیست؟...» (اسفزاری، بی‌تا: ۵). پس از این پرسش‌های گاه‌وبی‌گاه، سخنور بلافاصله پاسخ پرسش را بیان می‌کند.

در رکن اصلی مجلس، بیشتر مطالب، درونمایه عرفانی دارند و حدیث‌های عرفانی مرتبط نیز ذکر شده است. در برخی قسمت‌ها نیز به ثواب اعمال و ذکرها اشاره می‌شود: «... تا آسمان‌ها و زمین‌ها و عرش و کرسی و لوح و قلم و هرچه هست در پله ترازو نهند و ثواب سبحان‌الله را در یک پله دیگر نهند، از آن همه گران‌تر آید...» (همان: ۶). یکی از عناصر مهم در رکن اصلی مجالس اسفزاری بیان احادیث بسیار به‌ویژه احادیث قدسی و شرح و تفسیر آنهاست.

عنصر بسیار مهم دیگر در رکن اصلی مجلس، توصیه‌های اخلاقی و عرفانی است: «پس ای عزیز عمر شریف را ضایع و مهمل مگذار و بی‌قدر و معطل مگردان؛ شکسته راه او شو و وابسته محبت او گرد که دوست، شکسته و بسته می‌خواهد؛ سوخته درگاه او گرد تا کار تو ساخته شود» (همان: ۷-۶).

در رکن اصلی مجلس استشهاد به سخنان پیشگامان صوفیه بسیار مشاهده می‌شود که گاه با نقل مأخذ و ذکر نام گوینده همراه شده است. همه سخنان نقل شده به‌طور کامل در راستای مباحث است؛ همچنین سخنور به سادگی و مبهم نبودن سخنان توجه داشته است: «خواجه عبدالله انصاری رحمه الله علیه می‌فرماید: ای عزیز! هیزم تویی و عشق آتش؛ آتش در هیزم زن و بنشین خوش. ای عزیز! آتش به سوخته جا گیرد و چون به افروخته رسد بالا گیرد. بدان ای عزیز که وصال در فراق است؛ آتش محبت جان را می‌سوزد...» (همان: ۷).

شعر جایگاه ویژه‌ای در مجالس اسفزاری دارد؛ گاه یک غزل کامل از غزلیات شمس را برای شاهد بیان می‌کند. البته اسفزاری نگاه ویژه‌ای به دیوان کبیر دارد و در قسمت‌های مختلف، از ابیات شورانگیز آن شاهد و مثال می‌آورد. اسفزاری حتی نام مولانا را نیز نقل کرده است: «... و لیکن بشنو که مولانای رومی و آن مست حضرت قیومی چه می‌فرماید: شعر:

ای با منی پنهان بیا از جان سلامت می‌کنم      تو کعبه‌ای هر جا روم قصد مقامت می‌کنم

(همان: ۸)

بیان حکایت، بی‌تردید در شمار مهم‌ترین عناصر در رکن اصلی مجالس است؛ به قول مولوی

خوش‌تر آن باشد که سر دلبران      گفته آید در حدیث دیگران

(۱۳۷۹: ۵۲)

از این روست که سخنوران و مجلس‌گویان از حکایات کوتاه و بلند و قصه‌های عبرت‌آموز کهن در سخنان خود سود می‌جویند تا با استفاده از قصه، معانی را بهتر به مشتاقان و سزاواران انتقال دهند. حکایات در ده مجلس اسفزاری

از نظر حجمی دو نوع کوتاه و طولانی است. حکایات کوتاه بیشتر با بزرگان صوفیه ارتباط دارد و هریک به واقعه و گفتگویی غافل‌گیرانه و گاه کرامات شگفت‌انگیز می‌انجامد. پس از بیان این‌گونه حکایات کوتاه، سخنور به‌گونه‌ای غیرمستقیم محتوای آن را تبیین می‌کند: «نقل است که روزی از روزها شیخ شبلی قدس‌الله در سیر بود. پادشاه عصر از شکار می‌آمد. آهوپی را زخم زده بود و به فتراک آویخته؛ شیخ چون آن بدید، نعره زد و بیهوش شد. چون به هوش بازآمد مریدان سر این حال نمی‌دانستند...» (اسفزاری، بی‌تا: ۷).

### ۶۳-۲-۲ رکن ششم

از اجزای ساختاری مجالس اسفزاری، نیایش و مناجات است. نیایش در آغاز مجالس و در رکن چهارم نیز مشاهده و پیوسته تکرار می‌شود. گاه در آغاز مجلس و زمانی پس از رکن اصلی بیان می‌شود و همواره در پایان خطبه نیز آمده است. آغاز نیایش سخن مستقیم با باری تعالی و به صیغه ندایی است؛ سپس با التفات، سخن با شنوندگان ادامه می‌یابد: «ای احد قدیم و ای صمد واجب‌التعظیم! ای عاشقان! نام خداوند خویش می‌شنوید، دل خود را متوجه آن حضرت دارید تا مگر بوی وصال از او به مشام جان شما رسد؛ نام دوست خواندید از نامه‌اش چه خوانده‌اید؟ برخوانید!» (همان: ۹). این شیوه نیایش درحقیقت برانگیزاننده شنوندگان برای دعا و زاری است. مناجات‌ها و نیایش‌ها پس از هر بحث اصلی و یا حکایت بلند تکرار می‌شود؛ مناجات‌هایی خطاب به باری تعالی و گاه به شیوه سوگنددادن خداوند به نیکان و پارسایان و نیز اهل بیت<sup>(ع)</sup> بیان شده است: «ای قادر کریم و رحیم که به نالیدن مسکینان و یتیمان و اسیران آگاهی که برین جمع رحمت کن و قلم عفو در جرایم همه کش! الهی به حرمت مصطفی... و به حرمت علی مرتضی و فاطمه زهرا و به حرمت امام حسن و امام حسین و شهیدان دشت کربلا و به حرمت آن نذر ایشان که این جمع را بر آن دار که رضای حضرت تو در آنست...» (همان: ۲۳). به‌طورکلی این نیایش‌ها بیان‌کننده طلب استغفار و آمرزش‌گوینده و شنوندگان است. گمان می‌رود نیایش‌های تکرار شده در اجزای ساختاری متن، خود نوعی جمع‌بندی و نتیجه‌گیری مطالب باشد و گویا تکرار نکته‌ها و توصیه‌های اخلاقی و عرفانی در میان سخنان گوینده است. گزیده کلام سخنور در این نیایش‌ها، درخواست آمرزگاری خود و مخاطبان و طلب شفاعت از نبی مکرم اسلام است:

«روزی که روند سوی جنت پاکان جز تو که کند شفاعت بی‌باکان

... الهی، کریم، رحیم! ما را چنان که در این دنیا در محبت محمد و اولاد محمد و اصحاب محمد صلی‌الله‌علیه و سلم داشتن در آن جهان از شفاعت ایشان محروم نگردانی...» (همان: ۲۶).

پایان بخش مجلس نیز مناجات و نیایش برای آمرزگاری، آن هم به شیوه سوگند است؛ البته حاضر بودن جمع و شیوه سخن‌گفتن رویاروی از عبارات به‌طور کامل دریافت می‌شود: «ای خداوند کریم!... الهی به حرمت مصطفی<sup>(ص)</sup>، الهی به حرمت علی مرتضی و به حرمت خاتون فاطمه زهرا، الهی به حرمت جمله یاران مصطفی، کریم! رحیم! بر این جمع رحمت کن...» (همان: ۳۱). گفتنی که ساختار یادشده بالا در همه مجالس اسفزاری نمود یافته است.

### ۴-۲-۲ ویژگی‌های برجسته سبک فردی اسفزاری در مجالس

بررسی دقیق ویژگی‌های سبکی ده مجلس اسفزاری فرصت و پژوهشی دیگر و مستقل می‌طلبد. با وجود این، در ادامه نوشتار ویژگی‌های ممتاز و نو نثر ده مجلس بیان می‌شود.

باتوجه به شیوه مجلس‌گویی اثر، نثر ده مجلس از ویژگی‌های سبکی و ساختاری ویژه‌ای برخوردار است. از سوی

دیگر، این اثر برپایه ویژگی‌های آثار صوفیه، به‌طور مستقیم به اصل و گزیده موضوع می‌پردازد و بدون دیباچه‌پردازی‌های معمول آغاز شده است. به همین سبب تاریخ دقیق نوشتن اثر در میان عبارات آغازین مشاهده نمی‌شود و حتی اشاره آشکاری به نام مؤلف نشده است. ده مجلس به هیچ‌یک از نام‌آوران و بزرگان عصر نیز تقدیم نشده است. ساختار این اثر به‌طور دقیق با مجالس صوفیه سازگار و همانند است؛ آثاری مانند *طبقات الصوفیه* خواجه عبدالله انصاری، معارف بهاء‌ولد، *فیه مافیة* و *مجالس سبعه* مولانا و *مجالس پنج‌گانه* سعدی. عناصر متعددی در نثر و سبک مجالس نمود دارد که سبب گیرایی و جذب بسیار عوام به این گونه نثرهای خطابی شده است؛ در ادامه این عناصر بررسی می‌شود.

## ۲-۲-۴-۱ سادگی نثر

«متون منثور عرفانی زبان خاص خود را دارند و از ساختاری فراتر از ساختار زبان طبیعی و روزمره برخوردار هستند. این متون از شیوه بیان خاصی تبعیت می‌کنند و قواعد ویژه‌ای دارند تا پیام خود را ساده‌تر و روشن‌تر ارائه نمایند» (نزهت، ۱۳۹۲: ۵۹). مهم‌ترین ویژگی ممتاز سبکی مجالس، سادگی و آسان‌فهم بودن زبان و شیوه بیان است؛ به‌گونه‌ای که خطیب به شیوه‌ای سخن می‌راند که حتی عامی‌ترین افراد حاضر نیز اندکی از کلامش را درک کنند و بهره‌ای برگیرند. این ویژگی در سراسر متن اثر نمود یافته است. «یکی از موارد مهم در تجزیه و تحلیل شیوه‌های مجلس‌گویی، در نظر گرفتن مخاطبان است... این مخاطبان معمولاً عربی نمی‌دانسته‌اند و گروهی از آنان اندک می‌دانسته‌اند و بیشتر آنان توانای تجزیه و تحلیل مسایل ظریف دینی و اعتقادی و کلامی را نداشته‌اند... علاوه‌بر این، مسایل استدلالی با اطلاعات و ساختار ذهنی آنان سازگاری نداشته است؛ بنابراین، واعظان می‌بایسته است که به مقتضای حال آنان سخن بگویند» (غلامرضایی، ۱۳۸۷: ۲۶۰).

در مجالس اسفزاری نیز ساده‌گویی، وجه چیره‌ای است که بر همه خطابه سایه افکنده است. این ساده‌گرایی هم به سبب زبان و گزینش واژه‌های آشنا با ادبیات عامه مردم است و هم به سبب شرح و تفسیری است که سخنور، جزء جزء کلام را با آن آراسته است. «باید دانست که چون صوفیه مجالس خود را بر سر جمع و برای طبقات مختلف مردم می‌گفته‌اند، بدین جهت سعی داشته‌اند که مطالب را تا آنجا که ممکن است ساده و درخور فهم عموم پیروان خود بیان کنند و در نتیجه به پیروی سبک ادبا و نویسندگان دیوانی... مقید نبوده‌اند...» (بهاء‌ولد، ۱۳۸۲، ج ۱: ۱۲). سادگی نثر، ویژگی مشترک همه مجالس و سخنان عارفان است؛ به‌گونه‌ای که حتی «پیر سمنان در مجالس خود به قدری آسان و بی‌پیرایه سخن گفته که در پاره‌ای از موارد به گونه گفتاری و عامیانه روزگارش ماندگی دارد. البته آشکار است که پیرآموزانه گفتن و بی‌تکلف نوشتن، کار هر زبان‌دان و ادیبی نیست و جز از پختگان که به نفس کارکرد زبان آگاه‌اند، بر نمی‌آید» (سمنانی، ۱۳۸۳: ۵۴).

## ۲-۲-۴-۲ وجه مثبت و ترغیب‌کننده

شیوه معنایی خطابه‌های ده مجلس بیشتر برانگیختن و بشارت‌دادن به لطف و نعمت خداوندی است و انذار و تهدید در آن کمتر دیده می‌شود: «...بشنو که خداوند عالم، جبار اعظم... با ضعیفان چگونه کرم می‌کند و بندگان را چگونه مشرف می‌گرداند... یعنی به درستی که خدای تعالی بخیرد از مؤمنان تن‌ها و مال‌های ایشان را تا بدهد بدیشان بهشت جاودان» (اسفزاری، بی‌تا: ۱۰ - ۹). این ویژگی از جمله علت‌های تأثیرگذاری و گیرایی مجالس عرفانی و وعظ است که سبب توجه همگانی مخاطبان و مریدان شده است. با وجود این، گاه در بخش‌های اندکی، خطاب‌هایی مستقیم برای

پرهیز و ترساندن مخاطبان نیز دیده می‌شود: «ای عزیزان تأمل کنید که جبار اعظم چه می‌فرماید؛ ای مستمعان هوشیار باشید؛ ای خفتگان بیدار گردید از خواب غفلت که با هر فردی از افراد مردمان از مرد و زن و بنده‌ها و آزاد و پادشاه و گدا، با هر یکی فرمان جبار می‌رسد که نامه‌ات بخوان ای پیر خواب روزگار تلف‌کرده... ای زاهد باریا نامه‌ات بخوان، ای صوفی به ظاهر پارسا باطن خراب...» (همان: ۱۲۷).

### ۲-۲-۴-۳ اطناب

اطناب بیش از همه در نثر این گونه آثار مانند ده مجلس آشکار است. البته با توجه به آنکه مجالس همواره جنبه شفاهی و لفظی داشته‌اند و مخاطب این آثار، مردم عامه و مریدان بوده‌اند، چه بسا روشنگری بیشتر مطالب ضروری بوده است. هدف اطناب در ده مجلس، تعلیمی و اخلاقی است؛ البته مطالب تعلیمی با چاشنی صوفیانه و تائیدیه‌ای با گرایش‌های ملایم شیعی همراه شده است که خود یکی از مبانی جهان‌بینی عصر تیموری است. برخی از مجالس این اثر بسیار طولانی است. این مسئله در مجالس سبعة مولانا نیز نمود یافته است؛ به گونه‌ای که «تأمل در کمیت این مجالس نشان می‌دهد که مطالب مجلس... از حوصله یک مجلس بیرون است و احتمال آن هست که افزوده‌های بعدی آن را طولانی کرده باشد» (غلامرضایی، ۱۳۸۷: ۲۶۱).

### ۲-۲-۴-۴ آیات و احادیث

گواه آوردن یا استشهاد آیات قرآن و احادیث و روایات در شمار پرسامدترین ویژگی‌های سبکی ده مجلس است. بیشتر، رکن اصلی مجلس با بیان آیات و روایات آغاز می‌شود و سپس گرداگرد موضوع منظور ادامه می‌یابد: «ای احد قدیم و صمد واجب التعظیم! امروز دوستان حاضر آمده‌اند و یاران خدای جمع‌اند و امید به حضرت ذوالجلال آن است که این جماعت آمرزیده شوند؛ امروز شربت خوشگوار عرضه می‌کنم به توفیق خداوند...» (اسفزاری، بی‌تا: ۳۴) و مقصود او از این صهبای سکرآور، احادیث نبوی و آیات قرآنی است.

همه استشهداها با بیانی ساده برگردان و سپس به صورت تفسیری تحلیل می‌شود. برخی ترجمه‌ها گاه برگردان لفظ به لفظ‌اند؛ البته به شیوه‌ای ساده و به دور از ابهام و گاهی نیز در پی روشنگری بیشتر، طولانی شده‌اند. در ابتدای داستان‌های اصلی هریک از مجالس نیز آیات مربوط به آن داستان بیان می‌شود. درباره احادیث باید گفت که به سبب فضای عرفانی حاکم بر اثر، احادیث روایت‌شده در ادب متصوفه نیز بسیار به کار رفته است: «...یا داود من طلبنی وجدنی و من طلب غیری لم تجدنی... انا علی قلوب احیانی...» (همان: ۴۰). معانی بلند عرفانی نیز همراه با شرح حدیث به زبانی ساده بیان شده است: «هرکه ما را جوید، یابد و هرکه روی به قبله رضای ما بود، طلب او عین وجود ما بود و غیبت وی محض شهود شود... و هرکه روی به غیر ما آورد، از جمال لم یزل و لایزال محروم ماند...» (همان: ۴۱). از نکات گفتنی دیگر درباره این موضوع آنکه گاه اسفزاری شأن نزول برخی آیات قرآن را نیز آورده است: «... لاجرم در قرآن عثمان را خداوند عالم جل و جلاله جلوه داد و ثنا گفت که امن هو قانت فی انا اللیل و ساجدا و قائما...» (همان: ۱۸).

بسیاری از سخنان نقل‌شده قرآنی و روایی به صورت بدیهه بر زبان گوینده جاری شده است. «نکته اینجاست که سخن گفتن مشایخ در مجالس صوفیانه جنبه ارتجالی داشته است. مشایخ معمولاً از قبل موضوعی را در نظر نمی‌گرفتند. مطلبی که می‌گفتند می‌بایست فی المجلس به ذهن ایشان رسیده باشد و به اصطلاح، وقت آن را به ایشان املاء کرده باشد. مطلبی هم که مشایخ به عنوان لطیفه در مجلس خود درباره آیه‌ای از قرآن بیان می‌کردند همین خصوصیت را داشته است» (پورجوادی، ۱۳۸۰: ۷-۶).

## ۲-۲-۴ اشعار

«... در مجالس صوفیانه مثل مجالس ابوسعید و دیگران روایت ابیات عاشقانه و نقل قصص و حکایات رایج بود...» (زرین کوب، ۱۳۷۷: ۱۴۲). ابوسعید ابوالخیر هم که از مجلس گویان برجسته است «به علت ذوق لطیف و حدت ذهن و حسن محاوره و لطف بیان خود اطرافیان را چنان مجذوب می‌کرد که سر و جان در راه او می‌باختند» (صفا، ۱۳۷۸، ج ۱: ۶۰۴ - ۶۰۳).

بیان اشعار مرتبط با موضوع بحث، از جمله عناصری است که سبب برانگیختن مخاطب و گیرایی نثر در مجلس شده است. ذکر اشعار در همه ارکان مجالس دیده می‌شود. اشعار فراوان، بیشتر غزلیات کامل، تأثیربخشی و برانگیختن مخاطبان را در پی دارد:

این چه روز است که آمد به سر سوختگان ای که هر شب به دلم آتش دیگر زده‌ای  
هم بیندیش ز آه سحر سوختگان همدم نیست به جز ناله و آه سحری...  
(اسفزاری، بی تا: ۷)

اسفزاری نسبت به مولانا و غزلیات شمس نظر ویژه‌ای داشته است؛ به گونه‌ای که گاه به تضمین غزلی کامل و ابیات بسیار از مولانا توجه کرده است:

پوشیده چون جان می‌روی اندر میان جان من سرو خرامان منی ای رونق بستان من  
(همان: ۱۴)

باتوجه به اینکه اسفزاری خود با تخلص نامی شعر می‌سرود و مأخذ بسیاری از ابیات در مجالس وی یافت نشد، به نظر می‌رسد پاره‌ای از این ابیات سروده خود او باشد که به مناسبت موضوع از آنها بهره برده است و یا اینکه بدون پیشینه قبلی و به‌طور ناگهانی بر زبان او جاری شده است:

تا صحبت شریف توام دست داده است بر من دری سعادت دولت گشاده است...  
(همان: ۹۴)

پیش آمد آن دلبر مرا گفتا تو را ویران کنم ویران شوی گنج ازل در سر تو پنهان کنم...  
(همان: ۱۱۰)

از اشعار حافظ نیز تضمین آورده شده است:  
بخیل بوی خدا نشنود برو حافظ به عیش کوش و کرم ورز و الضمان علیه  
(همان: ۳۶)

او از سنایی نیز تضمین کرده است:

عروس حضرت قرآن نقاب آنگه براندازد که دارالملک ایمان را مجرد بیند از غوغا  
(همان: ۲۰۱)

## ۲-۲-۶ حکایات (مذهبی، عرفانی)

علاقه‌مند کردن مخاطب و به دنبال خودکشیدن، ویژگی ممتازی است که در زمینه معنایی و بلاغی در مجلس مشاهده می‌شود؛ به گونه‌ای که شنوندگان مانند بینندگان یک مجموعه دیداری گیرا یا یک نمایش، سخنان گوینده را پی می‌گیرند؛ این سخنان بیشتر بر پایه بیان حکایات کوتاه و بلند است و مخاطبان پیوسته برای ادامه یافتن سخنان او با جان و دلی

حاضر می‌کوشند. هدف اسفزاری در مجالس فقط بیان حکایت و قصه‌گویی نیست! بلکه او می‌کوشد در ضمن این حکایات کوتاه و گاه طولانی، نکته‌های فکری و اخلاقی و عرفانی منظور خود را به تصویر کشد و آنها را در باطن شنوندگان بنگارد. اسفزاری مستقیم به اصل موضوع نمی‌پردازد و در آغاز مقدماتی طولانی بیان می‌کند. گفتنی است در داستان اصلی نیز صورت تعلیمی و عرفانی مجالس حفظ شده است. حکایت‌ها و قصه‌های ده مجلس را به دو گونه اصلی و فرعی می‌توان تقسیم کرد؛ حکایات اصلی در مجالس دوم تا دهم درباره داستان انبیای الهی است و پایه اصلی روایت در مجلس است. مجلس دوم این اثر، بیان‌کننده احسن القصص یا حکایت حضرت یوسف است (همان: ۳۱). عنوان اصلی این مجلس قصه حضرت یوسف است؛ اما گوینده به‌طور مستقیم حکایت را آغاز نمی‌کند و گویا جذاب‌ترین و گیراترین بخش خطابه خود را در حکم ختمی طولانی تنظیم می‌کند. اسفزاری پس از بیان مقدمات گسترده در مجلس دوم و آماده کردن ذهن مخاطبان و ضمائر ایشان، قصه یوسف<sup>(ع)</sup> را آغاز می‌کند: «... از نعت جمال حضرت یوسف صدیق علیه‌السلام تو را خبر کنم که مالک الملوک احد ذوالجلال خداوند عالم جل و جلاله و عم نواله خبر می‌دهد از قصه یوسف صدیق، آن ماه دو هفته و آن شاه نهفته، آن میوه باغ خوبی و آن چراغ دل یعقوبی، یعنی یوسف صدیق...» (همان: ۵۴). هدف اسفزاری فقط بیان مستقیم و بی‌پرده قصه یوسف<sup>(ع)</sup> نیست؛ بلکه همراه با نقل آیات قرآنی و بیان ارزش‌های اخلاقی و تعلیمی، قصه این نبی را به شکلی آراسته برای مخاطبان به تصویر می‌کشد (همان: ۵۵ به بعد).

حکایات فرعی نیز در همه مجالس‌ها به تناسب موضوع و شیوه بحث، چاشنی سخن شده است. اسفزاری در ضمن روایت اصلی قصه، از حکایات و روایات فرعی نیز سود برده است؛ مانند حکایاتی که با عنوان لطیفه درباره یوسف<sup>(ع)</sup> در ضمن داستان اصلی نوشته است. واژه القصه نیز پیوسته در متن اصلی داستان آورده شده است (همان: ۷۶). وقتی سخنور پس از ذکر یک بحث فرعی اخلاقی و تعلیمی، دوباره قصد دارد قصه را ادامه دهد، از این واژه استفاده می‌کند. از نظر موضوعی نیز حکایات این اثر دو نوع هستند؛ دسته اول حکایات مذهبی است که افزون‌بر بزرگداشت اهل سنت و بزرگان صحابه، مانند داستان ایمان آوردن عمر (همان: ۲۰۶ - ۲۰۴)، با رویکردی همراه با احترام و بزرگداشت به اهل بیت<sup>(ع)</sup> می‌پردازد. این حکایات، کمابیش بسیار و طولانی‌اند؛ مانند حکایتی که درباره اهل بیت در شأن نزول آیه «و یطعمون الطعام علی حبه...» آورده شده است (همان: ۲۲ - ۲۰) و حکایت دعوت فاطمه زهرا<sup>(س)</sup> از اهل مدینه و آماده کردن رضوان برای مهمانان (همان: ۲۹ - ۳۰). در مجلس دوم نیز حکایتی درباره حضرت زهرا<sup>(س)</sup> آمده است که نشان‌دهنده منش احترام‌آمیز اسفزاری به خاندان رسالت است (همان: ۵۳). بیان این حکایات به این سبب است که در نزد شنوندگان به جایگاه گران‌قدر اهل بیت ارزش و مقام بیشتری بخشد. روح مذهبی حاکم بر مجالس اسفزاری به‌طور کامل میانه‌رو است که البته باتوجه به عصر تیموری و جامعه سنی مذهب ایران شگفت‌انگیز است.

دسته دوم حکایات صوفیانه است که با بزرگان عرفانی ارتباط دارد. بیان خرق عادت‌های متصوفه آن هم در مجلسی که همواره اهل عام حضور دارند، نشان‌دهنده آن است که خود سخنور، اهل عرفان است و گرایش‌های عرفانی دارد؛ همچنین تلاشی برای محکم کردن اعتقادات اهل عام در حق بزرگان متصوفه و بزرگداشت جایگاه آنها در دل مردم است. در این حکایات، کرامات شگفت‌آور و اتفاق‌های شگفت‌انگیز در حق بزرگان تصوف منظور سخنور بوده است. در حکایات به سخنان عارفان نیز پرداخته شده است: «خواجه عبدالله انصاری می‌گوید که محبت نااهل تب جان است و محبت اهل تابش جان؛ تا فرد نگردي گرد نگردي؛ اگر بی‌مرادی مردی و اگر بی‌دردی گردی. ای درویش! در این درگاه گریه یعقوب می‌باید یا ناله مجنون...» (همان: ۹۳). در میان قصه به معانی و مضامین عرفانی نیز توجه شده است:

«...همچنین عارف عاشق در بیت‌الاحزان دنیا ساعتی از خوف می‌نالند و ساعتی از رجا می‌نازد و ساعتی از بیم فراق آه می‌کند، آنگاه که چشم باز می‌کند، جمال پروردگار خود را جل و جلاله بی‌چون و بی‌چگونه ببیند؟ بیت:

گهی جمال تو بینم چه چشم باز کنم      گهی شراب تو نوشم چه لب فراز کنم...

ای درویش! عاشق تو را در این بشارتی است؛ نیک بشنو که خدای تو می‌فرماید...» (همان: ۸۳).

بسیاری از حکایات عرفانی درباره شخصیت‌هایی مانند رابعه، شیخ حسن نوری، سفیان ثوری، ذالنون مصری، شیخ ابوتراب نخشبی، شیخ ابواسحاق کازرونی (همان: ۱۲) و... است. از جمله آنها حکایت عرفانی درباره رابعه است: «نقل است که بی بی رابعه در مجلس شیخ حسن بصری... نشسته بود، ناگاه خاتون امیر بصره به مجلس آمد و در پهلو رابعه افتاد. چون مجلس گرم شد، رابعه را آتش محبت برافروخت؛ آن خاتون چون ماه چون ماهی بریان شد...» (همان: ۹۳). ذکر مآخذ برخی حکایات نیز در میان سخنان سخنور آشکار است: «... در کتاب ربیع‌الابرار آورده است که چون حاتم طایی را اجل فرا رسید...» (همان: ۳۹).

#### ۷-۴-۲-۲ سخنان صوفیه

ذکر سخنان بسیار از بزرگان متصوفه مانند خواجه عبدالله انصاری و عزالدین محمود کاشانی و مولانا و دیگران، هم زینت بخش کلام اسفزاری است و هم نشان‌دهنده گستردگی نظر و میدان اندیشه اوست. بیشتر این شواهد همراه با ذکر نام گوینده اصلی آورده شده است و گاهی نامی از گوینده برده نشده است. در میان این سخنان بیشترین تعداد مربوط به خواجه عبدالله انصاری (۱۰۴) است. گاه به سخنان بایزید بسطامی نیز استناد شده است. دیباچه و رکن اول مجلس سوم از دیباچه مرصاد/العباد نقل شده و در بیان قصه حضرت ایوب<sup>(ع)</sup> است (نجم رازی، ۱۳۷۳: ۱)؛ البته از دیباچه مرصاد فقط چند سطر آمده است (اسفزاری، بی تا: ۸۷). ذکر سخنان بزرگان متصوفه نیز همواره بسیار است: «... چنین می‌گوید شمس العارفین امام زمان محمد سجاوندی رحمه الله علیه در تفسیر بسم الله الرحمن الرحیم که آن بزرگ بخشش کرد...» (همان: ۹۵). همچنین است بیان سخن از بایزید بسطامی: «قول دیگر سلطان‌العارفین بایزید بسطامی قدس الله روحه می‌فرماید که اگر ایوب در آن بلا ننازیدی از دردمندان و محنت‌زدگان امتان حضرت محمد آخرالزمان بودی که خدای تعالی دردمندان را دوست‌تر می‌دارد از تسبیح مهربان آسمان...» (همان: ۱۰۶ - ۱۰۷). در این اثر از شیخ یحیی معاذ رازی و سخنان تفسیری وی فراوان آمده است (همان: ۱۳۴). نقل سخنان شیخ حسن بصری: «شیخ حسن بصری رحمه الله می‌گویند که پیش از یحیی علیه‌السلام یحیی نام نبود این تشریف به نام نهادن حق بود» (همان: ۱۴۱). ذکر سخنان امام جعفر صادق<sup>(ع)</sup> نیز در میان مباحث تفسیری آشکار است: «قول دیگر حضرت امام جعفر صادق رضی الله عنه می‌فرماید که چون مدت رنج و بلای حضرت ایوب به آخر رسید یاران و دوستان همه روی از وی بگردانیدند و او را از شهر بیرون کردند...» (همان: ۱۰۷).

#### ۸-۴-۲-۲ وجوه تفسیری

شیوه دیگری که در رکن اصلی مجالس دیده می‌شود، رویکرد تفسیری سخنور به آیات و روایات است؛ به گونه‌ای که پاره‌پاره، آیات و روایات به زبان عربی بیان و سپس ترجمه و تفسیر فارسی آنها ذکر می‌شود. جنبه تفسیری مجالس اسفزاری قوی است. آیات و روایات به زبان ساده و به دور از ابهام، شرح شده‌اند. برخی خطاب‌ها برای همه گروه‌ها و شنوندگان است: «... ای درویش روشن دل و ای روزه‌داران و ای نماز به جماعت گزاران و ای فرمانبرداران! وقت شما خوش باد. ای فاسق بی‌باک و ای بی‌نمازان و ای خداآزاران و ای پیران عمرضایع کرده! ماتم عمر خود بدارید...» (همان: ۱۶).

گاهی سخن او پای از دایره تفسیر برون می‌نهد و رنگ و بوی تأویل می‌گیرد: «... ای عزیز! این سه خصلت شگرف و این سه عمل عظیم را مرد عاشق بلندهمت می‌باید تا قدم درین میدان تواند نهاد؛ زیراکه از هر تردامنی این شغل نیاید و به حقیقت بدان که کام در کام ازها نهادن و دست در حلق شیر کردن چنان دشوار نیست که یک قدم در کوی انصاف نهادن و یک دم انصاف برادر مؤمن دادن...» (همان: ۳۵).

تأویل آیات قرآنی مرتبط با قصه‌ها: «وجوه یومئذ ناضره الی ربها ناظره، خداوند عالم روی بنده خود را یاد می‌کند که... ای بندگان در چشمی عتاب دارم که در غیر من نظر کرده است و ناشایست‌ها دیده است؛ اما بر روی عتاب ندارم که روی بر سجده پیش غیر ما ننهاده است...» (همان: ۸۳).

ذکر قصه‌ها و حکایات اصلی مجالس به‌طور کامل برپایه روایات دینی و اسلامی و آیات قرآنی است؛ به‌گونه‌ای که نمی‌توان داستان را برپایه اسرئیلیات تفسیرهای کهن دانست. ذکر قصه‌های انبیا و ایوب در مجلس سوم آن‌طور که پیشتر گفته شد، از اسرئیلیات و مطالب آنها نیست؛ بلکه اسفزاری می‌کوشد با استناد به آیات و روایات و سخنان بزرگان دینی و عرفانی، به کلامش رنگی تعلیمی و تحقیقی همراه با زمینه عرفانی دهد: «... خداوند عالم آن قادری که بنده برگزیده خود را به بلا مبتلا گردانید و او را صبر داد که انا وجدناه صابراً... و آن ایوب صابر است اذ نادى ربه مسنی الضر... از انس بن مالک... روایت کنند که مردی پیش حضرت محمد<sup>(ص)</sup> در مسجد آمد و سؤال کرد که یا رسول الله! چه بود که حضرت ایوب مسنی الضر گفت؟ رسول... دیده پر آب کرد و گفت...» (همان: ۱۰۵ - ۱۰۶).

اسفزاری نسبت به ذکر منابع تفسیری نیز دقت نشان می‌دهد. او همواره نام گوینده سخن و یا اثر وی و یا هردو را با هم بیان می‌کند: «حضرت امام ناصرالدین شهید سمرقندی در تفسیر/حقاف چنین آورده است...» (همان: ۱۵)؛ «... ای عزیز اگر دل حاضر داری در این آیت چند قول مفسران و علمای دین تقریر کرده اند با تو بیان کنم بتوفیق الله تعالی در کتاب زادالمذکورین آورده اند این قول را از شاه مفسران عبدالله بن عباس رضی الله عنه می‌گوید...» (همان: ۱۰۱)؛ نقل از تفسیر خواجه انصاری: «این حدیث در تفسیر پیر هرات خواجه عبدالله انصاری رحمه الله علیه آورده که چون معلم کودک را بگوید که بسم الله الرحمن الرحیم خداوند عالم چهل کس از اقربا کودک و چهل کس از اقربا معلم بیامرزد...» (همان: ۱۸۲).

بیان جنبه‌های مختلف تفسیر آیات و اختلاف آرای مفسران نیز در داستان حضرت ایوب<sup>(ع)</sup> روشن است (همان: ۱۰۷ - ۱۰۵). این نمونه ذکر وجوه تفسیری آیه متشابهه قرآن کریم است که با تأویل نیز همراه شده است: «آمدیم بر سر تفسیر الرحمن علی العرش استوی در قرآن مجید به چند معنی آید: اول به معنی اقبال آید... و تأویل دیگر آن است که هیچ مخلوق در این درگاه از عرش عظیم بزرگ تر نیست و تحت امر و قدرت است... بایزید بسطامی رحمه الله علیه می‌گوید که گفت مشبه در معنی استوی بسیار شد. دل خود را به عرش فرستادم؛ گفتم ای عرش! تو از ذات پاک خدای تعالی چو خبر داری؟ عرش گفت: بایزید! به عزت او که هزار بار از دل تو مشتاق ترم؛ عرش تهمت زده به زبان حال می‌گفت: چون عود در آتشم ز گفت بدگوی، من سوخته و کسی دیگر یافته بوی» (همان: ۲۰۲).

سخنان تفسیری با گرایش‌های شیعی هم در ده مجلس منظور بوده است: «... سعید جبیر رحمه الله علیه می‌گوید: مرج البحرین فاطمه است رضی الله عنها و بینهما برزخ لایبغیان حضرت محمد مصطفی... و لوءاء و مرجان امام حسن و امام حسین اند؛ ازین رو اصل شریف و عنصر لطیف چندین هزار جوهر سادات بر روی زمین پدید آمد. خداوند سقیه ما را به دوستی آل محمد صلی الله علیه و سلم آراسته داری؛ ای درویش تو را عجب می‌آید...» (همان: ۱۱۹).



## ۲-۲-۴-۹ توصیه‌های تعلیمی

رسالت اصلی مجالس در کنار تبلیغ آرا و باورهای فکری یک گروه، تعلیم نیکی‌های اخلاقی و عرفانی و برانگیختن مخاطبان به آن است. این مهم در بخش‌های مختلف اثر نمود آشکاری دارد و به تکرار بیان شده است. «بحث از اغراض تکرار در جای جای کتاب‌های بلاغت آمده است. تأکید و جای‌گیرکردن مطلب در ذهن شنونده و توجه‌دادن مخاطب به موضوعی خاص از جمله هدف‌های تکرار است و اینها همه از مواردی است که واعظ و خطیب را به کار می‌آید» (غلامرضایی، ۱۳۸۷: ۲۷۱). همان‌گونه که پیشتر بیان شد، جنبه مثبت معنایی ده مجلس بر جنبه تحذیری آن چیره است؛ زیرا «تعلیم صوفیه اصلاً جایی برای یأس و بدبینی باقی نمی‌گذارد. ازین‌روست که فی‌المثل ادب غزالی و مولوی باآنکه آنها دائم از بی‌ثباتی دنیا صحبت می‌کنند و رنج مرگ و خاک قبر را دائم به رخ زندگان می‌کشند، باز مثل ادب خیام یا ابوالعلاء معری تیره و نومید و دردناک نیست» (زرین‌کوب، ۱۳۵۰: ۱۱۳).

از جمله نکته‌های تعلیمی این اثر، توجه به نماز جماعت و ثواب آن است که نشان‌دهنده ارزش فراوان مکان‌های گردهمایی و رسالت تعلیمی آن در نگاه اوست (اسفزاری، بی‌تا: ۶۶ - ۶۵). همه حکایات در راستای موضوع اصلی بحث، گزینش و ارائه شده‌اند؛ مانند بسیاری از حکایت‌های مجلس دوم که در تبیین جایگاه والای نماز و به جماعت گزاردن آن است. در ادامه برخی محورهای تعلیمی با ذکر نمونه بیان می‌شود.

توصیه‌های مذهبی: «... پس ای درویش چون به نماز حاضر شدی دل حاضر کن...» (همان: ۱۹۸). ثواب قرائت سوره اخلاص: «بیا ای عزیز، قل هو الله احد را شفیع آر تا به همه مراد برسی و حضرت محمد<sup>(ص)</sup> فرمود که این سوره را سوره اخلاص می‌گویند؛ هر مؤمنی که این سوره را به اخلاص بخواند، در این جهان از شرک تشبیه خلاصی یابد و در آن جهان از آتش عذاب نجات یابد، هرکس این سوره را ورد خود سازد، هرآینه دوست خدای تعالی گردد...» (همان: ۲۰۷).

بیان پاداش اعمال شرعی و واجبات و نیز ذکر شرایط ادای احکام، به بهترین شکل در رکن اصلی ده مجلس اسفزاری نمود یافته است: «ابن عباس می‌فرماید که و الباقیات الصالحات پنج وقت نماز است که بنده مؤمن به جماعت بگذارند، بهتر از دنیا و هرچه در دنیاست و حضرت محمد... گفت مثل نمازگزار همچون... و لیکن این نمازگزار باید که پنج وقت به جماعت بگزارد و اگر بنده مؤمن گاهی نماز کند و گاهی نکند، از آن قوم باشد که حضرت خداوند می‌فرماید: فویل للمصلین...» (همان: ۴۵ - ۴۴).

## ۲-۲-۴-۱۰ گرایش‌های مذهبی

باتوجه به محتوای اثر در بیان ارزش‌های مذهبی باید گفت که نگارنده، خطیب، خود اهل سنت است. اسفزاری باتوجه به اعتقادات اهل تسنن، از بزرگان آن با احترام یاد می‌کند. از طرفی تمایلات شیعی اسفزاری و احترام او به خاندان رسالت و نبوت در جای جای کلام او دیده می‌شود. این مسئله یکی از محورهای مهم جهان‌بینی در عصر تیموری است که به نفوذ و تقویت بنیادهای شیعی در جامعه سنی ایران می‌انجامد: «ای عزیز ذکر کسی می‌کنم که جان فدا کرد و روا نداشت که آرزوی به دل رسد و بدو دختر دامادی حضرت مصطفی صلی الله علیه و سلم بود و لو کانت عندی ثلاثه فزوجتها اياه...» (همان: ۱۷ - ۱۶). اسفزاری در هنگام بحث از بزرگان اهل تسنن می‌کوشد حکایت‌ها و احادیثی را بیان کند که پیامبر اکرم در آنها این بزرگان را ستوده‌اند تا این‌گونه در میان مردم نیز از مقام والای آنان یاد کرده باشد (همان: ۱۸ - ۱۷).

اسفزاری با دیدی بی‌طرفانه و البته برخاسته از احترام و بزرگداشت بسیار از خاندان رسالت، به‌ویژه امام علی<sup>(ع)</sup> و حضرت زهرا<sup>(س)</sup> یاد می‌کند؛ حتی هنگام آغاز کلام درباره‌ی این بزرگان حضور خاطر و جمع‌بودن باطن شنوندگان را می‌طلبد: «... دل حاضر دار تا شمه‌ای از خاندان نبوت بیان کنم به توفیق خداوند جل جلاله می‌فرماید... ای درویش! امروز سخن از اهل بیت می‌رود؛ عاشقان جلال محمدی و دوستان خاندان نبوت... دل حاضر دارید و مستمع باشید و نیکو شنوید که حضرت پروردگار جل و علا چنین می‌فرماید که یوفون بالندر...» (همان: ۱۸). جملات دعایی برای اهل بیت به شیوه‌ی کلی اهل سنت در متون روایی‌شان، رضی الله عنه است که برای صحابه نیز کاربرد دارد (همان: ۲۰).

### ۲-۲-۴-۱۱ نثر آهنگین

سجع پردازی از عوامل مهم زیبایی و گیرایی متن است که کمابیش در سراسر اثر دیده می‌شود: «ای احد قدیم و ای صمد واجب التعظیم! ای معبود شاهان و ای مسجود پادشاهان! آن خدای که محدود جهات نی و مردود سموات نی و مقهور قهر نی و مخذول دهر نی و مدرک وهم نی که حیات او را ممات نی؛ قدرتی که قدرتش را حاجت به عزت نی؛ قاهری که قهرش را حاجت به مدد نی؛ ای قادر بی‌مدد و ای قاهر بی‌عدد...» (همان: ۴۳).

### ۲-۲-۴-۱۲ خطاب‌ها

از مهم‌ترین ویژگی‌های نثر مجالس، جنبه‌ی خطابی نثر است. در مجالس «لحن خطابی از یک سو و رعایت حال شنوندگان و ارائه‌ی سخن به اقتضای مقام مورد توجه قرار می‌گیرد؛ اما در هر حال هدف اصلی آن، هدایت مردم به سوی خیر و کمال است» (رستگار، ۱۳۹۲: ۲۵۵). بسیاری جملات ندایی و خطابی «ای عزیز» و «ای درویش» و نیز فعل‌های امر در متن ده مجلس «نشان می‌دهد که این مجالس از اصلی شفاهی به‌صورت نثری کتبی درآمده‌اند و همیشه قصد هدایت مخاطب چیزی است که برای مجلس گو مهم است...» (همان: ۲۵۶)؛ «... ای عزیزان دل حاضر دارید و مستمع باشید تا قصه‌ی معراج حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و سلم بیان کنم که از هیچ‌گونه نشینده‌ی ای. اول دقایق این آیت بخوانم و بیان کنم تا عیب‌جوی نگوید که همه، قصه می‌گوید...» (اسفزاری، بی‌تا: ۱۶۴).

اسفزاری در این اثر همیشه با صیغه‌ی اول شخص مفرد و گاهی نیز از جانب جمع و در مقام نمایندگی آنها در پیشگاه الهی با صیغه‌ی اول شخص جمع سخن رانده است.

### ۳- نتیجه‌گیری

اسفزاری از کاتبان و مورخان و شاعران و عارفان برجسته‌ی دوره‌ی تیموری و معاصر سلطان حسین بایقرا و امیر علیشیر نوایی است که پنج اثر از وی موجود است. آثار او عبارت است از: *روضات الجنات فی اوصاف مدینه‌ی هرات*، *ترسل*، *گلشن اقبال*، *ده مجلس*، *دیوان شعر*.

ده مجلس از آثار قرن نهم هجری است. این اثر دربردارنده‌ی سخنانی است که اسفزاری در جمع‌های عمومی بیان کرده است و حاضران و گاهی مریدان او آنها را نگاهشته‌اند. نوع ادبی این اثر در حوزه‌ی نثرهای خطابی و به‌ویژه مجالس فارسی طبقه‌بندی می‌شود. این اثر در ده بخش به نام «مجلس» تنظیم شده است. هریک از مجالس کمابیش اطناب دارند؛ علت آن شاید به این سبب است که هر مجلس، مجموعی از مجالس کوتاه‌تری است که خطیب بیان می‌کند. فضای کلی متن، صوفیانه و عرفانی است. روحیه‌ی مذهبی آشکارشده بر متن نیز، میانه‌رو و به دور از زیاده‌روی و کوتاهی است؛ به‌گونه‌ای که کمابیش به‌طور برابر از بزرگان صحابه و اهل سنت و خاندان رسول گرامی اسلام صحبت شده است. از

مهم‌ترین ویژگی‌های ده مجلس، توصیه‌های تعلیمی بسیار در میان سخنان و حکایات است. افزون بر قصه‌های انبیا که محور اصلی برخی مجالس کتاب است، حکایات کوتاه و بلند فراوانی در موضوعات مذهبی و بیشتر عرفانی، سبب گیرایی و توجه همگانی مخاطبان به مجالس اسفزاری شده است.

در ساختار مجالس به ترتیب، تحمید ایزدی، ستایش نبی اسلام، طلب حضور قلب از شنوندگان، نیایش، رکن اصلی مجلس و نیایش‌های پایانی قرار گرفته است. سادگی زبان و بیان با وجود موزون بودن متن، از ویژگی‌های برجسته سبک کلام است. افزون بر این، اطناب و تفسیر و روشن کردن مطالب و آیات و روایات در همه قسمت‌ها منظور سخنور بوده است. در میان کلام، اشعار بسیاری به‌ویژه از غزلیات شمس مولانا و سرایندگان دیگری مانند حافظ تضمین شده است. باتوجه به اینکه اسفزاری از شاعران عصر تیموری و متخلص به «نامی» است و از سویی باتوجه به جنبه بدیهه‌گویی مجالس، ممکن است تعدادی از ابیات اثر سروده خود سخنور، اسفزاری، باشد. جنبه خطابی نثر بسیار آشکار و قوی است؛ در سراسر متن، خطاب‌هایی مانند «ای عزیز» و «ای درویش» و فعل‌های امر مخاطب، بسیار دیده می‌شود.

### پی‌نوشت‌ها

۱. برای اطلاع بیشتر درباره معین‌الدین اسفزاری به مقاله «معین‌الدین اسفزاری کاتب و مورخ نامدار عصر تیموری» منتشرشده در مجله مطالعات ایرانی رجوع کنید.

۲. درباره ترسل یا منشآت اسفزاری مقاله «بررسی محتوا و ساختار «ترسل اسفزاری»» منتشرشده در مجله متن‌شناسی ادب فارسی مشاهده شود.

۳. اطلاعات مربوط به دو نسخه خطی اثر در سایت کتابخانه ملی ایران به نشانی‌های زیر ثبت شده است:

(<http://dl.nlai.ir/UI/c64a199f-81ca-4bb5-9a82-9586f0f4b65f/Catalogue.aspx>)

(<http://dl.nlai.ir/UI/9b09584e-d139-40df-b47f-a9c581dbd0e7/Catalogue.aspx>)

### منابع

- ۱- اسفزاری، معین‌الدین (بی‌تا). نسخه خطی ده مجلس، شماره ۷۳، تحریر ۱۲۱۸ قمری، محفوظ در کتابخانه ملی ایران.
- ۲- امین، سید حسن (۱۳۸۳). «تحول و عطف و خطابه در عصر قاجار»، فرهنگ، شماره شصت و چهارم، ۳۰ - ۳۷.
- ۳- انصاری، عبدالله بن محمد (۱۳۶۲). طبقات الصوفیه، مصحح محمد سرور مولائی، تهران: توس.
- ۴- بهاء‌الدین محمد بلخی (بهاء‌ولد) (۱۳۸۲). معارف بهاء‌ولد، مصحح بدیع‌الزمان فروزانفر، تهران: طهوری.
- ۵- بهار، محمدتقی (۱۳۸۶). سبک‌شناسی یا تاریخ تطور نثر فارسی، ۳ جلد، تهران: امیرکبیر.
- ۶- پورجوادی، نصرالله (۱۳۸۰). «لطائف قرآنی در مجالس سیف‌الدین باخرزی»، مجله معارف، فروردین - تیر، شماره ۵۲، ۳ - ۲۴.
- ۷- جهادی، سید امیر (۱۳۹۳). «معین‌الدین اسفزاری کاتب و مورخ نامدار عصر تیموری»، مجله مطالعات ایرانی، سال سیزدهم، شماره بیست و پنجم، ۹۱ - ۷۱.
- ۸- جوکار، نجف؛ غلامی، فاطمه (۱۳۹۰). «بررسی و تحلیل «هفت بزم انوشیروان» در شاهنامه به عنوان نمودی از «مجلس‌گویی» در ایران پیش از اسلام»، مجله پژوهش‌های ادب عرفانی، شماره ۱۹، ۷۹ - ۹۸.
- ۹- خطیبی، حسین (۱۳۹۰). فن نثر در ادب پارسی، تهران: زوار.

- ۱۰- دانش‌پژوه، محمدتقی (۱۳۶۴). «گزارش سفر پاریس»، مجله تحقیقات کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاهی، شماره ۹، ۲۴۲ - ۳۴۳.
- ۱۱- رستگار فسایی، منصور (۱۳۹۲). انواع نثر فارسی، تهران: سمت.
- ۱۲- روزبهان بقلی شیرازی (۱۳۶۶). عبهر العاشقین، تصحیح هانری کربن، تهران: منوچهری.
- ۱۳- زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۷۷). ارزش میراث صوفیه، تهران: امیرکبیر.
- ۱۴- زمانی، کریم (۱۳۸۸). «پیوندهای موضوعی فیه ما فیه با مثنوی و دیوان شمس»، همایش بین‌المللی اندیشه‌های جهانی مولانا جلال‌الدین محمد بلخی، پژوهش‌نامه فرهنگ و ادب پاییز، شماره ۹، ۷۹ - ۶۹.
- ۱۵- سمنانی، علاءالدوله (۱۳۸۳). مصنفات فارسی سمنانی، مصحح: نجیب‌مایل هروی. تهران: علمی و فرهنگی.
- ۱۶- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۷۸). تاریخ ادبیات در ایران، جلد ۱ و جلد ۲، تهران: فردوس.
- ۱۷- غلامرضایی، محمد (۱۳۸۷). «مجلس‌گویی و شیوه‌های آن براساس مجالس سبعة مولوی»، مجله شناخت، شماره ۵۷، ۲۵۷ - ۲۷۸.
- ۱۸- قشیری، ابوالقاسم عبدالکریم (۱۳۷۴). ترجمه رساله قشیریه، مصحح بدیع‌الزمان فروزانفر، تهران: نشر علمی و فرهنگی.
- ۱۹- کاشانی، عزالدین محمود (۱۳۶۷). مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه، مصحح جلال‌الدین همایی، تهران: هما.
- ۲۰- گنج‌کریمی، الهام؛ کهدویی، محمدکاظم (۱۳۸۶). «شیوه‌های سخن‌وری در مجالس صوفیه»، مجله نامه پارسی، پاییز و زمستان، شماره ۴۴ و ۴۵، ۸۱ - ۱۰۶.
- ۲۱- مدبری، محمود و دیگران (۱۳۹۱). «بررسی محتوا و ساختار «ترسل اسفزاری»»، مجله متن‌شناسی ادب فارسی، سال چهارم، شماره ۳، ۲۴ - ۱.
- ۲۲- مولوی، جلال‌الدین محمد بلخی (۱۳۷۹). مثنوی معنوی، مصحح رینولد نیکلسون، تهران: راستین.
- ۲۳- نجم‌الدین رازی (۱۳۷۳). مرصادالعباد، تصحیح محمدامین ریاحی، تهران: علمی و فرهنگی.
- ۲۴- زهت، بهمن (۱۳۹۲). «اسلوب بیان و شیوه مجلس‌گویی مولانا در آثار منثورش (با تأکید بر کتاب فیه ما فیه)»، مجله متن‌پژوهی ادبی، شماره ۵۷، ۷۸ - ۵۵.
- ۲۵- وفایی، عباسعلی و دیگران (۱۳۹۳). «سیر تطور مجلس‌گویی صوفیانه به عنوان نوعی ادب تعلیمی؛ از آغاز تا پایان دوره صفوی»، پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، سال ششم، شماره بیست و سوم، ۷۴ - ۳۹.